

مقایسه سبک فرزندپروری والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم

ستاره شجاعی^۱، مهدی ایمانی^۲، محمد مهدی تیموری^۳، مریم شاهین^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۰

هدف: پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک فرزندپروری والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم انجام شد. **روش:** روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم شهر شیراز بودند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۹۹ نفر (۴۹ نفر از والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم و ۵۰ نفر از والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم) انتخاب شدند. والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم با روش نمونه‌گیری در دسترس و والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم با روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه سبک فرزندپروری والدین رایبِنسون، ماندلکو، السن و هارت (۱۹۹۵) برای سنجش سبک فرزندپروری والدین استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری استبدادی والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم نسبت به والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم و سبک فرزندپروری اقتداری والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم نسبت به والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم به‌طور معنی‌داری بالاتر است ($P < 0/001$). بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم تفاوت معنی‌داری مشاهده

۱. استادیار دانشگاه شیراز.

۲. استادیار دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) dr.mahdiimani@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی.

۴. دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه شیراز.

نشد ($p > 0.05$). نتیجه گیری: با توجه به وجود تفاوت بین سبک‌های فرزندپروری دو گروه، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش سبک‌های فرزندپروری برای والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم ضروری به نظر می‌رسد.
کلید واژه‌ها: سبک فرزندپروری، اختلال طیف اوتیسم.

مقدمه

اختلال طیف اوتیسم^۱ نوعی اختلال تحولی-عصبی پیچیده‌ای است که با مشکلات در تعامل و روابط اجتماعی، الگوهای تکراری رفتاری و علایق و فعالیت‌های محدود مشخص می‌شود (انجمن روان پزشکی آمریکا^۲، ۲۰۱۳). این اختلال افزون بر آن که مانند بسیاری از اختلال‌های دیگر کودک را از مسیر رشد طبیعی خود خارج می‌کند، نظام خانواده که در رأس آن والدین قرار دارند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (هودری^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). در کانون مهم و حساس خانواده، مجموعه‌ای از روابط در جریان است که از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد. وجود کودک با ناتوانی^۴ یکی از این عوامل تأثیرگذار است (بروبست، کلوپتان و هندریک^۵، ۲۰۰۹). هنگامی که کودکی داری اختلال تشخیص داده می‌شود، نگرانی‌های بسیاری در مورد آینده کودک، وضعیت تحصیلی و زندگی اجتماعی او برای والدین پدید می‌آید (آگستون، مکینتاش و میرز^۶، ۲۰۰۵) و حتی می‌توان گفت تجربه والدینی نیز تغییر می‌کند (پروت، ویلیس، تیمونز و اکاس^۷، ۲۰۱۶). در واقع تولد هر کودک دارای ناتوانی مشکلات بسیاری برای پدر و مادر به وجود می‌آورد. حال با توجه به ویژگی‌های کودکان با اختلال طیف اوتیسم و خلق خوی دشوار آن‌ها، پرورش کودکی با این مشکلات تحولی، یک چالش مهم و منحصر به فرد برای هر دو والد است (دی‌پاو، مرویلد، ون لیون و دی کلرک^۸، ۲۰۱۱؛ اوزتورک، ریکادونا و ونوتی^۱، ۲۰۱۴). بسیاری

1. autism spectrum disorder.

2. American Psychiatric Association.

3. Hudry, K.

4. disability.

5. Brobst, J. B., Clopton, J. R., & Hendrick, S. S.

6. Ogston, P. L., Mackintosh, V. H., & Myers, B. J.

7. Pruitt, M.M., Willis, K., Timmons, L., & Ekas, N.V.

8. De Pauw, S. S., Mervielde, I., Van Leeuwen, K. G., & De Clercq, B. J.

از والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم حتی در مقایسه با والدین کودکان دارای ناتوانی‌های دیگر، دچار استرس و اضطراب بیشتر و روابط رضایت بخش کمتری هستند (روبنز^۲، ۲۰۰۹). آن‌ها اغلب در مخاطره افسردگی و فشار هیجانی منفی بسیاری هستند (ایکاس و ویتمن^۳، ۲۰۱۱). آشکار است وجود چنین وضعیتی سبب بروز رفتارهای متفاوتی از سوی والدین می‌شود و عملکرد روزانه و رفتارهای والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پروت و همکاران، ۲۰۱۶).

بسیاری از والدین بسته به نگرش‌شان ممکن است در ارتباط با این کودکان به شیوه‌ای سهل‌گیر، حمایت‌گرایا مستبدانه برخورد کنند. این همان سبک فرزندپروری است که گروهی از والدین از روی آگاهی و گروهی دیگر بدون آگاهی در چهارچوب آن به فرزندان خود واکنش نشان می‌دهند. اگرچه ناتوانی فرزند به خودی خود می‌تواند بر نوع فرزندپروری والدین تأثیر بگذارد (رایا، روئنز-الیوارز، پینو و هرروزو^۴، ۲۰۱۳) اما سبک فرزندپروری والدین دارای فرزند با ناتوانی به طور کلی و والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم به طور ویژه می‌تواند هم به وسیله عوامل بیرونی مانند وضعیت اقتصادی خانواده، میزان پذیرا بودن جامعه نسبت به فرد با ناتوانی (پارک، ترنبال و ترنبال^۵، ۲۰۰۲) و هم به وسیله ویژگی‌های فردی خانوادگی شامل معنویت، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و مشکلاتی که از قبل در خانواده وجود داشته است (مثل افسردگی، مشکلات زناشویی و غیره) (سینگر^۶، ۲۰۰۶)، تحت تأثیر قرار گیرد.

به اعتقاد بامریند^۷ (۱۹۹۱) فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. به سخن دیگر، پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان‌شان

-
1. Ozturk, Y., Riccadonna, S., Venuti, P.
 2. Rubens, J. D.
 3. Ekas, N. V., & Whitman, T. L.
 4. Raya, A. F., Ruiz-Olivares, R., Pino, J., & Herruzo, J.
 5. Park, J., Turnbull, A. P., & Turnbull, H. R.
 6. Singer, G. H. S.
 7. Baumrind, D.

است. در نظریه بامریند سه سبک اساسی فرزندپروری مشتمل بر سبک استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه تعریف شده است. والدین دارای سبک استبدادی نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و همچنین بر فرزندان خود کنترل بسیار زیادی به کار می‌برند، این والدین اغلب تحریک‌پذیر، انعطاف‌ناپذیر، زورگو، خشن و نسبت به نیازهای کودکان بی‌توجه‌اند (برک^۱، ۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶). والدین دارای سبک اقتداری نسبت به فرزندان خود محبت و کنترل زیادی دارند در واقع این والدین هم برای رفتار خودمختارانه و هم رفتار منضبط اعتبار قایلند. آنان روابط کلامی را تشویق می‌کنند و وقتی از اقتدار خود به‌عنوان والدین استفاده می‌کنند و کودک را از چیزی منع می‌کنند یا از او انتظاری دارند، برایش دلیل می‌آورند (موراوسکا و ساندرز^۲، ۲۰۰۹). والدین دارای سبک سهل‌گیرانه از کنترل کمتر و محبت زیادی در رابطه با فرزندان خود استفاده می‌کنند. در این خانواده‌ها سطح ارزش افراد خانواده پایین و روابط اعضای خانواده آشفته است (گلفزائی، محمد اسماعیل، رئوفیان مقدم و عسکری مقدم، ۱۳۸۲).

تاکنون پژوهش‌های بسیاری به منظور بررسی رابطه انواع سبک‌های فرزندپروری با جنبه‌های مختلف زندگی افراد انجام شده است که اغلب این پژوهش‌ها نشان داده‌اند، سبک فرزندپروری اقتداری در مقایسه با دیگر سبک‌های فرزندپروری دارای پیامدهای مثبت بیشتری است (ریتمن، رود و هاپ^۳، ۲۰۰۲). در تأیید این موضوع، ماتج‌ویچ، جووانوویک و جووانوویک^۴ (۲۰۱۴) بر اساس یافته‌های خود بیان می‌کنند که آن دسته از والدینی که دارای سبک فرزندپروری اقتدارگرا بودند در مقایسه با والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، مشارکت بالاتری در فعالیت‌های مدرسه و موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان داشتند. همچنین مهری نژاد، رجبی مقدم و ترسانی^۵ (۲۰۱۵) نیز در

1. Berk, L.E.

2. Morawska, A. & Sanders, M. R.

3. Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D. A., & Altobello, C.

4. Matejevic, M., Jovanovic, D., & Jovanovic, M.

5. Mehrinejad, S. A., Rajabimoghadam, S., & Tarsafi, M.

پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک اقتداری والدین با خلاقیت همبستگی مثبت و بین سبک استبدادی با خلاقیت همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. در همین راستا دهارت، پلهام و اینن^۱ (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان دادند مادرانی که از سبک فرزندپروری اقتدارگرا استفاده می‌کنند، باعث افزایش خود احترامی بیشتری در فرزندان شان می‌شوند. همچنین یافته‌های پژوهش هوبان و هوبان^۲ (۲۰۰۴) نشان داد که سبک فرزندپروری اقتدارگرا می‌تواند در افزایش رشد مسئولیت‌پذیری، ایجاد روابط دوستانه و انگیزه برای رسیدن به هدف در فرزندان کمک کند. هیر^۳ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که آن گروه از دانشجویانی که والدین شان از سبک فرزندپروری اقتدارگرا استفاده کردند، دارای سبک دلبستگی ایمن بودند.

در گستره پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون سبک‌های فرزندپروری برخی از پژوهش‌گران این موضوع را در بین افراد دارای ناتوانی مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال یوسفی، سلطانی فرو عبدالهیان^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که مادران کودکان بیش‌فعال در مقایسه با مادران کودکان عادی اغلب از سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کنند. همچنین ترنسا، الیوارس، روئیزو کابرا^۵ (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک فرزندپروری استبدادی مادران و رفتار پرخاشگرانه کودکان رابطه مثبت وجود دارد و بین سبک فرزندپروری اقتدارگرا و رفتارهای پرخاشگرانه رابطه منفی وجود دارد. در همین راستا، نتایج پژوهش گو، چیو، سونگ و لی^۶ (۲۰۰۸) حاکی از این است که والدین کودکان با کم‌توانی ذهنی بیشتر از سبک‌های فرزندپروری استبدادی یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند. افزون بر پژوهش‌های یاد شده، همتی علمدارلو^۷ (۱۳۹۳)

1. DeHart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H.

2. Hoban, S., & Hoban, G.

3. Heer, P. A.

4. Yousefi, Sh., Soltanifar, A., & Abdolalian, E.

5. Trenas, A. F., Olivares, R. Ruiz., & Cabrera, J. H.

6. Gau, S. S. F., Chiu, Y. N., Soong, W. T., & Lee, M. B.

7. Hemi

نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که سبک فرزندپروری استبدادی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادران کودکان پیش‌دبستانی با کم‌توانی ذهنی نسبت به مادران کودکان پیش‌دبستانی بدون کم‌توانی ذهنی به‌طور معنی‌داری بالاتر است و سبک فرزندپروری اقتداری مادران کودکان پیش‌دبستانی بدون کم‌توانی ذهنی نسبت به مادران کودکان پیش‌دبستانی با کم‌توانی ذهنی به‌طور معنی‌داری بالاتر است. نیمانی اسماعیلی و عندلیب (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی نشان دادند که در سبک فرزندپروری استبدادی بین والدین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش گرجی و محمودی (۱۳۹۱) هیچ‌گونه تفاوت معناداری را در سبک‌های فرزندپروری دو گروه والدین دارای کودکان ناشنوا و والدین دارای کودک عادی گزارش نکردند. گلفزائی، محمداسماعیل، رثوفیان مقدم و عسکریان مقدم (۱۳۸۲) نیز نشان دادند که مادران کودکان دارای اختلال‌های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی بیشتر از مادران کودکان عادی از شیوه فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کردند.

این نکته که والدین می‌توانند بر رشد شخصیت فرزندان‌شان بسیار اثرگذار باشند، امری آشکار است و همان‌گونه که یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند شیوه‌های مختلف فرزندپروری می‌توانند تأثیرات متفاوتی را بر رشد روانی-اجتماعی کودکان عادی، با ناتوانی و به‌تبع آن کودکان با اختلال طیف اوتیسم داشته باشند (اصلان^۱، ۲۰۱۱). کودکان با اختلال طیف اوتیسم به سبب نقص در تعاملات اجتماعی همواره با مشکلات بسیاری در زندگی روبرو هستند، حال آنکه پژوهش‌های بسیاری تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر رشد مهارت‌های اجتماعی را مورد تأیید قرار داده‌اند (بارتولومو، مونتسل، جرال‌دو، فیمنقی، و ماکادو^۲، ۲۰۱۶). با وجود این، براساس بررسی‌های

1. Aslan, S.

2. Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi, G. A., & Machado, A. A.

پژوهش‌گران هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه سبک فرزندپروری والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم در داخل کشور انجام نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک فرزندپروری والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم برای پاسخ‌دهی به این سؤال انجام شد که آیا بین سبک فرزندپروری والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل همه والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم شهر شیراز بود. ۹۹ نفر (۴۹ نفر از آن‌ها والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم و ۵۰ نفر از آن‌ها والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم) برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین صورت که به همه مدارس و مراکز ویژه کودکان با اختلال طیف اوتیسم تحت پوشش اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر شیراز مراجعه شد و همه والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم که تمایل به همکاری در پژوهش داشتند، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، که شامل ۴۹ نفر بودند. برای انتخاب نمونه والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد، به این صورت که فهرست مدارس شهر شیراز تهیه شد و به‌طور تصادفی ۴ مدرسه دخترانه (دو دبیرستان و دو ابتدایی) و ۴ مدرسه پسرانه (دو دبیرستان و دو ابتدایی) انتخاب شد و با مراجعه به مدارس یادشده به‌طور تصادفی ۵۰ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند و از والدین آن‌ها خواسته شد تا در پژوهش شرکت کنند. شایان ذکر است که از ۴۹ نفر نمونه والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم ۴۲ نفر زن و ۷ نفر مرد بودند که دامنه سنی آن‌ها از ۳۲ تا ۵۲ سال با میانگین سنی ۳۹/۸۹ و

انحراف استاندارد ۰/۸۳ بود. همچنین از ۵۰ نفر نمونه والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم ۴۶ نفر زن و ۴ نفر مرد بودند که دامنه سنی آن‌ها از ۲۶ تا ۵۴ سال با میانگین سنی ۳۹/۱۶ و انحراف استاندارد ۰/۹۱ بود.

پرسشنامه سبک فرزندپروری: این پرسشنامه توسط رایینسون، ماندلکو، السن و هارت در سال ۱۹۹۵ ساخته شد و توسط علیزاده به فارسی ترجمه شد. این پرسشنامه دارای ۳۲ سؤال در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (هیچ وقت = ۱، گاهی اوقات = ۲، تقریباً بعضی از مواقع = ۳، خیلی از مواقع = ۴ و همیشه = ۵) است. حداقل نمره در این آزمون ۳۲ و حداکثر ۱۶۰ است. این پرسشنامه سه نوع سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه را به ترتیب با ۱۲ سؤال، ۱۵ سؤال و ۵ سؤال می‌سنجد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان ایرانی مورد تأیید قرار گرفته و پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس سبک اقتداری ۰/۹۰ و برای خرده‌مقیاس سبک استبدادی ۰/۷۸ و برای خرده‌مقیاس سبک سهل‌گیر ۰/۷۰ گزارش شده است (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲). شایان ذکر است که در این پژوهش برای تعیین پایایی مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ برای یکایک ابعاد و کل پرسشنامه مورد محاسبه قرار گرفت که برای سبک اقتداری ۰/۸۴، برای سبک استبدادی ۰/۸۷ و سبک سهل‌گیری ۰/۷۱ و برای کل ۰/۹۲ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول نمرات این پرسشنامه دارد. همچنین روایی محتوایی آن مورد تأیید پنج نفر از اساتید روان‌شناسی قرار گرفت.

یافته‌ها

در این بخش نخست اطلاعات توصیفی آزمودنی‌ها ارائه شده و سپس نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه سبک‌های فرزندپروری بین دو گروه والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمره آزمودنی‌ها در سبک‌های فرزندپروری به تفکیک گروه

گروه	والدین کودک با اختلال طیف اوتیسم		والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
سبک فرزندپروری استبدادی	۳۹/۸۹	۷/۹۹	۲۸/۶۲	۸/۵۸
سبک فرزندپروری اقتداری	۵۶/۲۰	۹/۵۴	۶۲/۰۶	۶/۳۱
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱۲/۸۹	۳/۶۰	۱۳/۳۴	۳/۵۴

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمره سبک فرزندپروری استبدادی والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم از میانگین نمره سبک فرزندپروری استبدادی والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم بالاتر است. همچنین میانگین نمره سبک فرزندپروری اقتداری والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم از میانگین نمره سبک فرزندپروری اقتداری والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم بالاتر است. افزون‌بر این میانگین نمره سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم از میانگین نمره سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم بالاتر است. بنابراین در ادامه جهت آزمون فرض معنی‌داری از تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه سبک‌های فرزندپروری بین والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. شایان ذکر است که پیش از تحلیل واریانس چندمتغیره ابتدا برای بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که این آزمون برای هیچ کدام از متغیرها معنی‌دار نبود ($P > 0/05$)، که نشان می‌داد واریانس‌های دو گروه همگن هستند. همچنین برای بررسی همگنی ماتریس کوواریانس‌ها از آزمون ام‌باکس استفاده شد و نتایج نشان داد آماره ام‌باکس $15/02$ معنی‌دار نیست ($F=1/58, P > 0/05$) و در نتیجه پیش فرض تجانس بین کوواریانس‌ها برقرار است.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای سبک‌های فرزندپروری در دو گروه

نام آزمون	مقدار	df فرضیه	df خطا	F	سطح معناداری
اثربیایی	۰/۳۹۸	۳	۹۵	۲۰/۹۱	۰/۰۰۱
لامبدای ویکلز	۰/۶۰۲	۳	۹۵	۲۰/۹۱	۰/۰۰۱
اثرهتلینگ	۰/۶۶۰	۳	۹۵	۲۰/۹۱	۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۰/۶۶۰	۳	۹۵	۲۰/۹۱	۰/۰۰۱

بر اساس داده‌های مشاهده شده در جدول ۲ اثر گروه بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی دار است. به همین دلیل برای بررسی اینکه این تأثیر بر کدام یک از متغیرهای وابسته معنی دار است از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس دوطرفه برای هر یک از متغیرهای وابسته

منبع تغییرات	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	Df	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
	سبک					
	فرزندپروری	۳۱۴۷/۶۹۰	۱	۳۱۴۷/۶۹۰	۴۵/۸۰۲	۰/۰۰۱
	استبدادی					
	سبک					
	فرزندپروری	۸۴۸/۶۳۵	۱	۸۴۸/۶۳۵	۱۳/۰۱۹	۰/۰۰۱
گروه	اقتداری					
	سبک					
	فرزندپروری	۴/۸۳۶	۱	۴/۸۳۶	۰/۳۷۹	۰/۵۴
	سهل‌گیرانه					

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، تحلیل واریانس دوطرفه بین گروهی نشان می‌دهد که اثرات به دست آمده برای گروه در متغیر سبک فرزندپروری استبدادی

استبدادی والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم بالاترازوالدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم است. همچنین اثر گروه در متغیر سبک فرزندپروری اقتداری ($P < 0/001$)، $F = 45/802$) معنادار است. بدین معنی که میانگین نمره سبک فرزندپروری والدین کودکان بدون اختلال طیف اوتیسم بالاترازوالدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم است. افزودن برای این، اثر گروه در متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه [$F = 0/379$, $p > 0/05$] معنادار نیست. بدین معنی که بین میانگین نمره سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم انجام شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، بین والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم از نظر سبک فرزندپروری اقتدارگرا و استبدادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. درحالی‌که در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بین این دو گروه از والدین هیچ‌گونه تفاوت معناداری وجود ندارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که مادران کودکان عادی نظر مساعدی نسبت به به‌کارگیری شیوه‌های انضباطی محدودکننده، طردکننده و قدرت‌طلبانه ندارند و باوجود اعتقاد داشتن به حداقلی از کنترل و سخت‌گیری که به‌عنوان یک اهرم بازدارنده کودک از رفتارهای انحرافی عمل می‌کند، معتقدند که به کودک باید فرصت داد تا به‌منظور کسب کفایت بین فردی، محیط اطراف را کندوکاو کنند. به همین دلیل آنان به آزادی کودکان در چهارچوب قواعد تعیین شده احترام می‌گذارند. آنان هم برای رفتار منضبط و اقتدار اعتبار قایلند و هم اقتدار غیرمنطقی که ناشی از میل بزرگسال به تسلط بر کودکان است را نفی می‌کنند. چنانچه نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری استبدادی در بین مادران کودکان اختلال طیف اوتیسم بیشتر از مادران کودکان عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد این مادران به شیوه‌های خشن انضباطی، پیروی بی‌چون‌چرای

کودک از مقررات و تنبیه قهرآمیز در برابر اشتباهات اهمیت بیشتری قائل هستند. در تبیین احتمالی نتایج این پژوهش مبنی بر تفاوت در سبک فرزندپروری اقتدارگرا و استبدادی در دو گروه والدین کودکان با و بدون اختلال طیف اوتیسم می‌توان چنین بیان کرد که در انتخاب یک سبک فرزندپروری مؤلفه‌های بسیاری چون توانایی شناختی، مهارت اجتماعی، سلامت روانی (عملکرد روانی اجتماعی) و عزت نفس اثرگذار است. حال آنکه کودکان با اختلال طیف اوتیسم در بسیاری از این مؤلفه‌ها دچار نقص هستند. به بیان دیگر رفتارهای عاطفی غیرمعمول مانند اختلال در پردازش اطلاعات اجتماعی و حساس نبودن به محرک‌های اجتماعی می‌تواند رابطه والد-فرزند را به چالش بکشد (نونزو و ن بلیکر-اونز^۱، ۲۰۰۵ و پلوگ^۲، ۲۰۱۰). برای مثال هنگامی که کودک با اختلال طیف اوتیسم به بوسه زدن و آغوش کشیدن والدین واکنش منفی نشان می‌دهد، در حقیقت حمایت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و به نوعی در نوع رفتار والدین تغییر ایجاد می‌کند به گونه‌ای که از میزان ابراز عواطف والدین نسبت به فرزندانشان کمتر می‌شود و همچنین پاسخ‌گویی آن‌ها در قبال نیاز فرزندان شان نیز کمتر می‌شود و در عوض کنترل افراطی جایگزین آن می‌شود که این همان سبک فرزندپروری استبدادی است، زیرا این سبک فرزندپروری حاصل کنترل بالا و محبت پایین است.

افزون بر این، پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم در مقایسه با والدین کودکان عادی سطح بالاتری از استرس، افسردگی و اضطراب را نشان می‌دهند (ویس^۳، ۲۰۰۲؛ بنجاک، والتیک ماوریناک و پاوویس سیمتین^۴، ۲۰۰۹). آشکار است در چنین وضعیتی آستانه تحمل آن‌ها پایین می‌آید و احتمال اینکه واکنش‌های خشن و به دور از منطق در برابر فرزندان خود انجام دهند، افزایش می‌یابد که این واکنش‌ها اغلب در چهارچوب سبک فرزندپروری استبدادی قرار می‌گیرند.

در تبیین احتمالی دیگر برای نتایج این پژوهش می‌توان به نوع نگرش افراد به ناتوانی

1. Noens, I. L., & van Berckelaer-Onnes, I. A.

2. Ploog, B. O.

3. Weiss, M. J.

4. Benjak, T., Vuletić Mavrinac, G., & Pavić Šimetin, I.

به عنوان یک عامل اثرگذار در رابطه والد - فرزند اشاره کرد. در واقع تولد فرزند در خانواده یک فرآیند آرمانی محسوب می‌شود که در آن والدین انتظار تولد فرزندی را دارند تا بتوانند او را آن‌گونه که مدنظر دارند، تربیت کنند و او را در راستای اهداف خویش به موفقیت برسانند. حال اگر فرزندی که متولد می‌شود، دارای ناتوانی باشد، از همان ابتدا تأثیر نامطلوبی بر خانواده و اعضای آن می‌گذارد. یکی از این اثرات نامطلوب اتخاذ شیوه‌های فرزندپروری نامناسب است که والدین کودکان با ناتوانی، به دلیل عدم مهارت و دانش ناکافی در رویارویی با چنین شرایطی اغلب دست به انتخاب نامناسب‌ترین سبک فرزندپروری می‌زنند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر تفاوت در سبک فرزندپروری اقتدارگرا در دو گروه والدین دارای فرزند با و بدون اختلال طیف اوتیسم می‌توان بیان کرد که کودکان عادی به سبب مهارت کافی در نظریه ذهن توانایی پیش‌بینی درخواست‌های والدین و پیامدهای مرتبط با آن را دارند. در واقع برخوردار بودن از نظریه ذهن به معنای داشتن یک توانایی حیاتی برای برقراری تعامل با دیگران است. افزون بر این، این توانایی می‌تواند تعامل والد و فرزند را تحت تأثیر قرار دهد. در تأیید این موضوع، پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده‌اند که بین نظریه ذهن و سبک فرزندپروری استبدادی یک رابطه همبستگی منفی و بین سبک فرزندپروری اقتدارگرا و نظریه ذهن یک رابطه مثبت وجود دارد (اریلی و پیترسون^۱، ۲۰۱۴؛ اسلامی، قربانی و آقایی، ۱۳۹۲). افزون بر این، افراد عادی با توجه به برخوردار بودن از توانایی شناختی مناسب می‌توانند قوانین والدین را به موقعیت‌های مختلف تعمیم دهند و آن‌ها را به کار بندند که نتیجه چنین وضعیتی سبب تقویت یک رابطه والد - فرزندی مثبت می‌شود.

در تبیین یافته دیگر این پژوهش مبنی بر عدم تفاوت در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در دو گروه والدین دارای فرزند با و بدون اختلال طیف اوتیسم می‌توان چنین عنوان کرد که با توجه به اینکه والدین کودکان عادی برای تربیت درست و موفقیت و

پیشرفت فرزند خود می‌کوشند از سبک اقتداری استفاده کنند و والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم نیز به منظور کنترل و مدیریت رفتارهای فرزند خود به زور متوسل می‌شوند و از سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کنند، بر همین اساس احتمالاً هیچ‌کدام از سبک سهل‌گیرانه استفاده نمی‌کنند.

به طور خلاصه یافته‌های این پژوهش نشان داد که والدین کودکان عادی بیشتر از سبک فرزندپروری اقتداری استفاده می‌کنند که هم برای والدین و هم برای فرزندان دارای پیامدهای مثبت بسیاری است (ریتمن، رود و هاپ، ۲۰۰۲؛ ماتج‌ویچ، جووانوویک و جووانوویک، ۲۰۱۴؛ مهری نژاد، رجبی مقدم و ترسافی، ۲۰۱۵، دهارت، پلهام و اینن، ۲۰۰۶؛ هوبان و هوبان، ۲۰۰۴؛ هیر، ۲۰۰۸). از سویی دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم بیشتر از سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کنند که هم برای والدین و هم برای فرزندان دارای پیامدهای منفی بسیاری است (یوسفی، سلطانی فرو و عبدالهیان، ۲۰۱۱؛ ترنسا، الیوارس، روئیزو کابرا، ۲۰۱۳؛ گو، چپو، سونگ و لی، ۲۰۰۸؛ گلفزائی، محمداسماعیل، رئوفیان مقدم و عسکریان مقدم، ۱۳۸۲). بنابراین طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای افزایش دانش و آگاهی والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم در مورد انواع سبک‌های فرزندپروری و اثرات هر یک از آن‌ها بر فرزندان و رابطه والد-فرزندی و آموزش استفاده از سبک فرزندپروری اقتداری به این والدین بسیار ضروری است.

شایان ذکر است این پژوهش در مورد والدین کودکان عادی و کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم شهر شیراز انجام شد، بنابراین نتایج آن فقط به همین جامعه قابل تعمیم است. به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود به انجام پژوهشی در زمینه مقایسه سبک فرزندپروری والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم با سایر والدین کودکان با ناتوانی اقدام کنند. در پایان توصیه می‌شود با توجه به اهمیت بسیار زیاد سبک‌های فرزندپروری بر رشد کودکان، آموزش و معرفی انواع سبک‌های فرزندپروری به والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم در رأس برنامه متولیان تربیتی قرار گیرد، به‌ویژه برای والدینی که فرزندان‌شان هنوز در دوره کودکی قرار دارند. زیرا به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان و

متخصصان تعلیم و تربیت، دوران کودکی از حساسترین دوره‌های زندگی انسان است و نوع رفتار و تعامل والدین با کودک در این دوره می‌تواند نقش بسیاری در آینده او داشته باشد. به بیان دیگر روش‌های تربیتی والدین در این دوره می‌تواند اثر طولانی را بر رفتار، عملکرد و شخصیت کودک در آینده داشته باشد. بر همین اساس نتایج این پژوهش می‌تواند به روان‌شناسان و متولیان امور تربیتی به منظور آموزش سبک‌های فرزندپروری مناسب به والدین کودکان با اختلال طیف اوتیسم کمک کند.

منابع

- اسلامی، ز.، قربانی، م.، آقایی، ا. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با نظریه ذهن در دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر اصفهان ۹۰-۹۱. *مجله شناخت اجتماعی*، ۳(۲)، ۳۴-۴۳.
- برک، ل. ای. (۲۰۰۱). *روانشناسی رشد*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۶). تهران: نشر ارسباران.
- حیدری، ط.، شاه‌میوه اصفهانی، آ.، فرامرزی، س. (۱۳۹۰). مقایسه ابعاد نظریه ذهن در کودکان مبتلابه اوتیسم و عادی ۵ تا ۱۰ سال شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۲(۳)، ۶۴-۷۰.
- گرجی، ر.، محمودی، ا. (۱۳۹۱). مقایسه سبک فرزندپروری و سلامت عمومی در والدین دارای فرزند ناشنوا و کم‌توان ذهنی. *مجله تعلیم و تربیت استثنایی*، ۱۱۳، ۱۵-۲۴.
- گل‌فزائی، م.، محمد اسماعیل، ا.، رئوفیان مقدم، ف.، عسکری مقدم، ه. (۱۳۸۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان دارای اختلال‌های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی با مادران کودکان عادی. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۱۰(۴)، ۲۴۴-۲۴۵.
- نریمانی، م.، پوراسماعیل، ا.، عندلیب، م. (۱۳۹۲). مقایسه‌ی سبک‌های فرزندپروری و اختلالات خوردن در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. *مجله‌ی روان‌شناسی مدرسه*، ۲(۲)، ۱۵۴-۱۳۸.
- همتی علمدارلو، ق. (۱۳۹۳). مقایسه سبک فرزندپروری مادران کودکان پیش دبستانی با و بدون کم‌توانی ذهنی. *مجله پژوهش‌های علوم رفتاری*، ۱۲(۱)، ۱۳۲-۱۲۲.
- Alizadeh, H., & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behavior Therapy*, 24(3), 37-52.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5)*. American Psychiatric Pub..
- Aslan, S. (2011). The analysis of relationship between school bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1798-1800.
- Baker, D. B. (1994). Parenting Stress and ADHD A Comparison of Mothers and

- Fathers. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 2(1), 46-50.
- Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi, G. A., & Machado, A. A. (2016). Predictive Power of Parenting Styles on Children's Social Skills. *SAGE Open*, 6(2), 1-7.
 - Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
 - Benjak, T., Vuletić Mavrinac, G., & Pavić Šimetin, I. (2009). Comparative Study on Selfperceived Health of Parents of Children with Autism Spectrum Disorders and Parents of Nondisabled Children in Croatia. *Croatian medical journal*, 50(4), 403-409
 - Brobst, J. B., Clopton, J. R., & Hendrick, S. S. (2009). Parenting children with autism spectrum disorders the couple's relationship. *Focus on Autism and Other Developmental Disabilities*, 24(1), 38-49.
 - De Pauw, S. S., Mervielde, I., Van Leeuwen, K. G., & De Clercq, B. J. (2011). How temperament and personality contribute to the maladjustment of children with autism. *Journal of autism and developmental disorders*, 41(2), 196-212.
 - DeHart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H. (2006). What lies beneath: Parenting style and implicit self-esteem. *Journal of experimental social psychology*, 42(1), 1-17.
 - Ekas, N. V., & Whitman, T. L. (2011). Adaptation to daily stress among mothers of children with an autism spectrum disorder: The role of daily positive affect. *Journal of autism and developmental disorders*, 41(9), 1202-1213.
 - Gau, S. S. F., Chiu, Y. N., Soong, W. T., & Lee, M. B. (2008). Parental characteristics, parenting style, and behavioral problems among Chinese children with Down syndrome, their siblings and controls in Taiwan. *Journal of the Formosan Medical Association*, 107(9), 693-703.
 - Heer, P. A. (2008). The relationship between college students' retrospective accounts of parenting styles and self-reported adult attachment styles. ProQuest. (Unpublished doctoral dissertation), Fielding graduate University.
 - Hoban, S., & Hoban, G. (2004). Self-esteem, self-efficacy and self-directed learning: Attempting to undo the confusion. *International Journal of self-directed learning*, 1(2), 7-25.
 - Hudry, K., Aldred, C., Wigham, S., Green, J., Leadbitter, K., Temple, K., ... & PACT Consortium. (2013). Predictors of parent-child interaction style in dyads with autism. *Research in developmental disabilities*, 34(10), 3400-3410.
 - Matejevic, M., Jovanovic, D., & Jovanovic, M. (2014). Parenting style, involvement of parents in school activities and adolescents' academic achievement. *Social and Behavioral Sciences*, 128, 288 – 293.
 - Mehrinejad, S. A., Rajabimoghadam, S., & Tarsafi, M. (2015). The Relationship between Parenting Styles and Creativity and the Predictability of Creativity by Parenting Styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 205, 56-60.
 - Morawska, A. & Sanders, M. R. (2009). Parenting gifted and talented children: conceptual and empirical foundations. *Gifted Child Quarterly*, 53(3), 163-173.
 - Noens, I. L., & van Berckelaer-Onnes, I. A. (2005). Captured by details: sense-making, language and communication in autism. *Journal of communication*

- disorders*, 38(2), 123-141.
- Ogston, P. L., Mackintosh, V. H., & Myers, B. J. (2005). Hope and worry in mothers of children with an autism spectrum disorder or Downs syndrome. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 5, 1378-1384.
 - O'Reilly, J., & Peterson, C. C. (2014). Theory of mind at home: linking authoritative and authoritarian parenting styles to children's social understanding. *Early child development and care*, 184(12), 1934-1947.
 - Ozturk, Y., Riccadonna, S., Venuti, P.(2014).Parenting dimensions in mothers and fathers of children with Autism Spectrum Disorders. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 8 , 1295–1306.
 - Park, J., Turnbull, A. P., & Turnbull, H. R. (2002). Impacts of poverty on quality of life in families of children with disabilities. *Exceptional Children*, 68, 151–170.
 - Ploog, B. O. (2010). Stimulus overselectivity four decades later: A review of the literature and its implications for current research in autism spectrum disorder. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 40(11), 1332-1349
 - Pruitt, M.M., Willis, K., Timmons, L., Ekas, N.V.(2016). The impact of maternal, child, and family characteristics on the daily well-being and parenting experiences of mothers of children with autism spectrum disorder. *Autism*,18, 1 – 13.
 - Raya, A. F., Ruiz-Olivares, R., Pino, J., & Herruzo, J. (2013). Parenting Style and Parenting Practices in Disabled Children and its Relationship with Academic Competence and Behaviour Problems. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 89, 702-709.
 - Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D. A., & Altobello, C. (2002). Development and validation of the parental authority questionnaire—revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*,24, 119–127.
 - Rubens, J. D. (2009). Effects of contextual influences on stress level for caregivers of children diagnosed with autism, *Doctoral Dissertation. Retrieved from Retrieved from ProQuest LLC*
 - Singer, G. H. S. (2006). Meta-analysis of comparative studies of depression in mothers of children with and without developmental disabilities. *American Journal on Mental Retardation*, 111, 155–169.
 - Trenas, A. F., Olivares, R. Ruiz., & Cabrera, J. H.(2013). Relationship Between Parenting Style and Aggression in a Spanish Children Sample. *Social and Behavioral Sciences*, 82 , 529 – 536.
 - Weiss, M. J. (2002). Hardiness and social support as predictors of stress in mothers of typical children, children with autism, and children with mental retardation. *Autism: The International Journal of Research and Practice*, 6(1), 115-130.
 - Yousefi,Sh., Soltanifar, A ., & Abdollahian, E. (2011). Parenting stress and parenting styles in mothers of ADHD with mothers of normal children , *Social and Behavioral Sciences*, 30,1666 – 1671.